

مشارکت ہفتگی نوجوانان

ہفتہ ششم عیسیٰ می بخشدا

سحرگاهان، عیسی باز به صحن معبد آمد. در آنجا مردم همه بر وی گرد آمدند؛ و او نشسته، به تعلیم ایشان پرداخت. در این هنگام، علمای دین و فریسیان، زنی را که در حین زنا گرفتار شده بود آوردند، و او را در میان مردم به پا داشته، به عیسی گفتند: «استاد، این زن در حین زنا گرفتار شده است. موسی در شریعت به ما حکم کرده که این گونه زنان سنگسار شوند. حال، تو چه می‌گویی؟» این را گفتند تا او را بیازمایند و موردی برای متهم کردن او بیابند. اما عیسی سر به زیر افکنده، با انگشت خود بر زمین می‌نوشت.

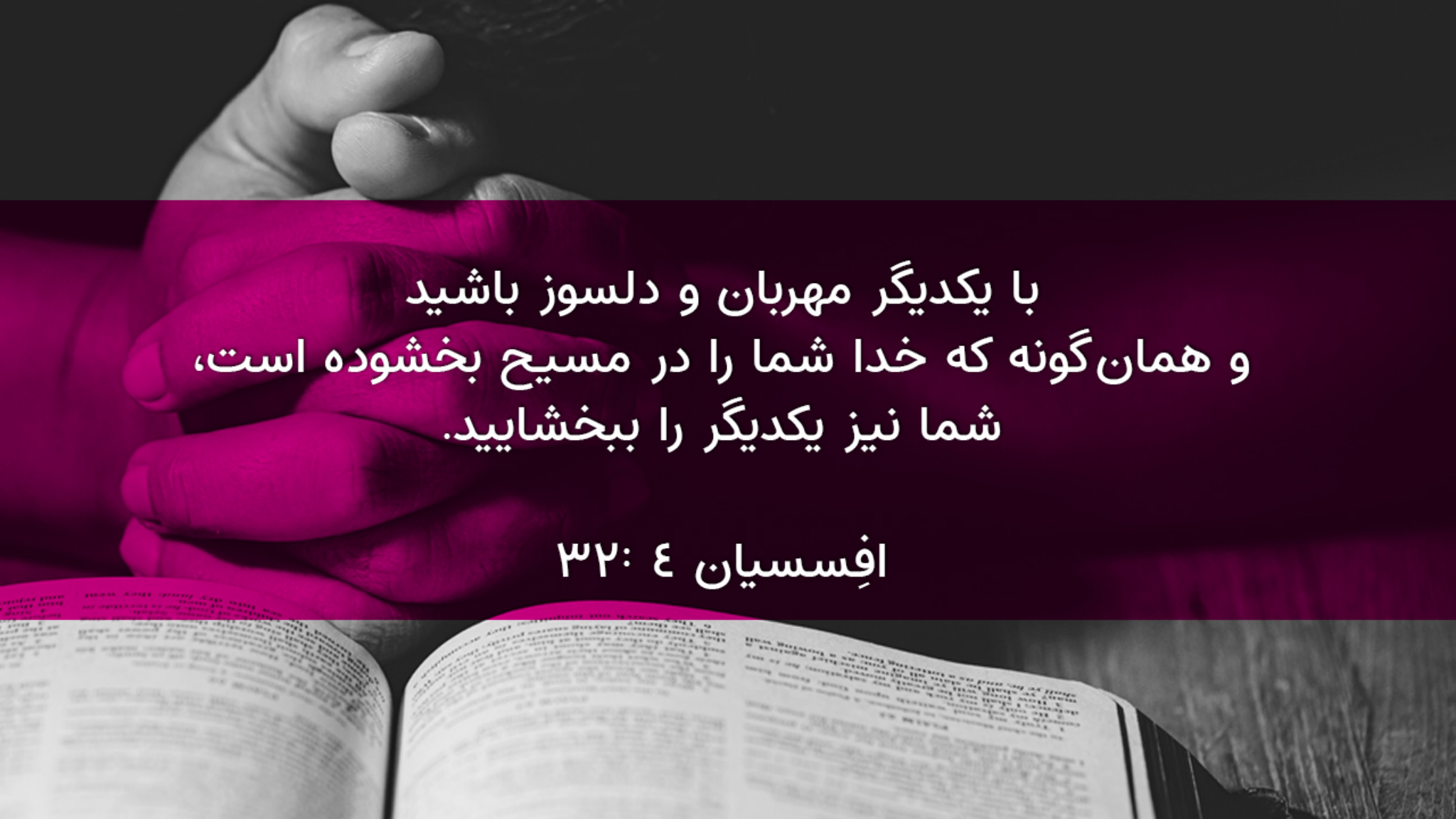
یوحنا ۸: ۲-۶



و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می‌نوشت. ولی چون آنها همچنان از او سؤال می‌کردند، عیسی سر بلند کرد و بدیشان گفت: «از میان شما، هر آن کس که بی‌گناه است، نخستین سنگ را به او بزند.» با شنیدن این سخن، آنها یکایک، از بزرگترین شروع کرده، آنجا را ترک گفتند و عیسی تنها به جا ماند، با آن زن که در میان ایستاده بود. آنگاه سر بلند کرد و به او گفت: «ای زن، ایشان کجایند؟ هیچ‌کس تو را محکوم نکرد؟» پاسخ داد: «هیچ‌کس، ای سرورم.» عیسی به او گفت: «من هم تو را محکوم نمی‌کنم. برو و دیگر گناه مکن.»

یوحنا ۸: ۷-۱۱





با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید
و همان‌گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است،
شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

افسیان ۴: ۳۲